

دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در زبان و ادبیات، دانشگاه لرستان

سال چهارم، شماره هشتم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

صفحات ۱۱۱-۸۸

واکاوی ابعاد تأثیرپذیری ابن زیدون از قرآن کریم

طیبه سیفی^۱

ولی امیدی‌پور^۲

سارا منصوری^۳

چکیده

قرآن کریم، به‌عنوان برترین پیام خداوند و معجزه جاودان پیامبر (ص) از همان آغاز نزول، کانون توجه مسلمانان بوده است و به علت اعجاز بلاغی و هنری‌اش همواره اهل هنر، به‌ویژه شاعران برای انتقال مفاهیم و اندیشه‌های خود از آن بهره برده‌اند. توجه ویژه شاعران و ادیبان به آیات نورانی این کتاب و معارف و مبانی و احکام دلپذیر آن بستری را فراهم کرده است تا شاعران و نویسندگان مسلمان برای نمایش دوباره زیبایی‌های هنری و جلوه‌های اعجاز آن کوشش‌های زیادی را مبذول داشته و تألیف و تصنیف‌های فراوانی را به رشته تحریر درآورند. با توجه به تأثیرپذیری زیاد شاعر عرب ابن زیدون، نگارندگان پژوهش حاضر بر آن‌اند تا با روش توصیفی-تحلیلی، میزان این تأثیرپذیری را در دیوان اشعار این شاعر اندلسی مورد تحلیل و بررسی قرار دهند. بدین منظور در این پژوهش انواع تأثیرپذیری واژگانی، گزاره‌ای، گزارشی (مضمونی)، تلمیحی، تصویری و سبکی (شیوه‌ای) شاعر مذکور از قرآن کریم ارائه خواهد شد. نتیجه پژوهش بیانگر این است که شاعر گاه از آیات و عبارات قرآنی به‌طور صریح و گاه به‌عنوان رمزی برای انتقال مفاهیم خویش مدد می‌گیرد. همچنین از تصاویر قرآنی برای ترسیم صحنه‌هایی از دوران زندان خویش بهره می‌برد.

کلید واژگان: قرآن، تأثیرپذیری، ابن زیدون.

مقدمه

پیشینه بهره‌گیری و اثرپذیری شاعران عرب از قرآن کریم به صدر اسلام می‌رسد، به گونه‌ای که بهره‌گیری از قرآن در شعر به دلیل قداست و حرمت مذهبی و معنوی، به سروده‌های شاعران نیز گونه‌ای حرمت و قداست می‌بخشید و سخن آنان را برای مردمی که به دیده حرمت به قرآن نگاه می‌کردند مقبول‌تر و ارجمندتر می‌ساخت. از این‌رو شاعران عرب گاه به قصد تبرک و تیمن و گاه به قصد استناد و استشهاد و یا به دلایل سیاسی و عقیدتی سروده‌های خود را با گوهر تابناک آیات قرآنی می‌آراستند، به گونه‌ای که نشانه‌های اثرپذیری از این کتاب آسمانی را در اشعار فراوانی از شاعران سده‌های مختلف بخصوص عصر عباسی و عصر انحطاط و حتی در دوره معاصر نیز می‌توان یافت. نظریه‌پردازان مدرن متون، خواه متون ادبی و خواه متون غیرادبی را فاقد هرگونه معنای مستقل می‌دانند. آنان مدعی‌اند که، «عمل خوانش ما را به شبکه‌ای از روابط متنی وارد می‌کند. تأویل کردن یک متن، کشف کردن معنا یا معانی آن، در واقع ردیابی همان روابط است» (آلن، ۱۳۸۰: ۵). اینان چنین رابطه میان متن را بینامتنیت می‌نامند. از نگاه آنان «بینامتنیت از کشف‌های بزرگ قرن بیستم است که نگرش نوینی در زمینه رابطه عناصر کهکشان متن‌ها ارائه می‌دهد و به تعامل و جاذبه میان‌متنی می‌پردازد. همواره متن‌ها در یک ارتباط شبکه‌ای با یکدیگر خلق می‌شوند» (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۱۰).

ابن زیدون شاعر پرآوازه اندلسی در اشعار خود به شیوه‌های متنوعی، از قرآن تأثیر پذیرفته است که بی‌ارتباط با تقسیم‌بندی نظریه‌پردازان مدرن در مورد انواع بینامتنیت نیست، او تعالیم و آموزه‌های دینی را فرا روی خویش قرار می‌دهد تا با بهره‌گیری از الفاظ و واژه‌های قرآن از یک‌سو و اندیشه‌های والا و ارزنده آن از سوی دیگر به اشعارش جاودانگی و قداست ویژه‌ای ببخشد و بر دل‌وجان خواننده تأثیر بگذارد. درک مفاهیم شاعرانه وابسته به شناختن شاخص‌های به وجود آورنده آن است، شاخص‌ها یا عواملی که نشان دهنده وجود ارتباطی عمیق بین آن مضامین و محیط پیرامون شاعر است. شاخص‌هایی مانند؛ موقعیت فردی، سیاسی، اقتصادی، و حتی جغرافیایی شاعر همواره از مؤلفه‌های اصلی آفرینش و ابداع مضامین شاعرانه به شمار می‌آید. در این مقاله با بررسی دیوان ابن زیدون و مطالعه پیرامون شخصیت و تحولات زندگی شاعر تلاش شد تا نوع نگرش شاعر به موضوعاتی چون عشق، طبیعت، تحولات سیاسی، ولی- نعمتان و... در لابه‌لای مفاهیم و مضامین شعری وی مورد پژوهش قرار گیرد و به نقش

قرآن کریم در آفرینش و القای این مضامین در دو دوره زندگی شاعر، یعنی قبل و بعد از زندان پرداخته شود. لذا سؤالاتی که پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به آنهاست عبارت‌اند از:

- ۱- ابن زیدون به چه شیوه‌هایی از قرآن کریم الهام گرفته است؟
- ۲- رویکرد ابن زیدون در استفاده از مفاهیم و الفاظ قرآنی در زندان و پس از آن، چگونه بوده است؟

پیشینه تحقیق

اشعار ابن زیدون، به‌عنوان یکی از شاعران برجسته عرب، همواره مورد توجه محافل علمی و ادبی بوده است، بخصوص رسایل او از منظر تأثیرات قرآنی مورد بررسی قرار گرفته و کتب و مقالات فراوانی در این باره نوشته شده است. همچنین دانشجویانی در قالب پایان‌نامه، به شرح‌حال و بررسی افکار و آثار او پرداخته‌اند.

مرضیه مرتضوی در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «شرح‌حال و بررسی افکار و آثار ابن زیدون» به سال ۱۳۸۳ در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی به معرفی ابن زیدون، بررسی افکار و آثار منشور و منظوم او پرداخته است. مقالانی نیز پیرامون شخصیت و آثار او نوشته شده است از جمله: مقاله «دراسة أندلسية، البطشة الكبرى بين ابن زیدون و ابن عمار»، عبدالرحمان الفاسی (مجله المجمع العلمی العراقی، شماره ۳۹، ربيع الأول ۱۴۰۲ ه.ق)؛ در این مقاله به ابعاد شخصیتی و فردی ابن زیدون و همچنین حوادثی که در دوران وزارت او رخ داده، اشاره شده است و نویسنده با بیان توضیحات و دلایلی به دفاع از شاعر در برابر دسیسه دولتمردان پرداخته و با توجه به صفات پسندیده‌ای که برای ابن زیدون برشمرده، او را لایق مقام وزارت و عنایت ویژه حاکم می‌داند.

مقاله «دور ابن زیدون السیاسی و الدبلماسی فی الأندلس فی عصر ملوک الطوائف»، محمد حسین الزبیدی (مجله المورخ العربی، شماره ۴، سال ۱۹۹۷ م)؛ همان‌گونه که از عنوان مقاله پیداست، در این پژوهش نقش سیاسی و دیپلماتیک ابن زیدون در مقام وزارت مورد بررسی قرار گرفته است. مقاله «معالم قرطبة فی شعر ابن زیدون»، السید عبدالعزیز سالم (مجله المعهد المصری للدراسات الاسلامیة مدید، شماره ۲۲، سال ۱۹۸۳ م)؛ در این مقاله نیز سعی شده است تا نشانه‌ها، زیبایی‌ها و طبیعت قرطبه و همچنین آداب،

رسوم، فرهنگ و مشخصات اجتماعی مردم این شهر از خلال اشعار ابن زیدون استخراج و مورد بررسی قرار گیرد. همچنین معصومه نعمتی قزوینی و حمیده سادات محسنی در مقاله «روابط بینامتنی اشعار ابن زیدون با قرآن کریم» (فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۲۲، سال ۱۳۹۴ ه.ش) سعی کرده‌اند به تبیین برخی از اشکال بینامتنی قرآنی در اشعار این شاعر بپردازند؛ نگارندگان مقاله مذکور در این پژوهش اشعار ابن زیدون را تنها از منظر تأثیرپذیری تلمیحی، واژگانی و گزاره‌ای بررسی کردند و به سایر ابعاد تأثیرپذیری اشاره نکردند. لذا تفاوت مقاله حاضر با پژوهش پیش روی خوانندگان جامعیت و شمول آن است. شوقی ضیف نیز در کتاب «نواع الفكر العربی؛ ابن زیدون» به بحث پیرامون ابن زیدون اندلسی و نبوغ وی پرداخته است. از آنجا که اشعار ابن زیدون از منظر ارتباط با قرآنو تأثیرات قرآنی آن گونه که شایسته است مورد پژوهش واقع نشده در این پژوهش سعی شده است برای یافتن ردپای آیات و عبارات قرآنی در اشعار ابن زیدون، دیوان شاعر با دقت بیشتری مورد بررسی قرار گیرد و ابعاد بیشتری از این ارتباط برای مخاطب واکاوی شود.

۱- درآمد

کتاب‌های تاریخ ادبیات عربی گواه این است که ابن زیدون، به‌عنوان یک شاعر توانای اندلسی با تقلید از شاعران شرق اسلامی و ابداعات و ابتکارات بی‌مانندش، توانست با کسانی چون بحتری و جاحظ در یک سطح قرار بگیرد و حتی به بحتری غرب ملقب گردد. اما متأسفانه همانند آن‌ها مورد توجه محققان قرار نگرفت و به آثار شعری او کمتر پرداخته شد، از اینجاست که اهمیت موضوع تحقیق مشخص می‌شود، چرا که تلاشی است برای نمایاندن گوشه‌ای هرچند کوچک از اندیشه‌های شاعرانه ابن زیدون. هدف از تحقیق حاضر معرفی ابن زیدون به‌عنوان یک شاعر و نویسنده پراوازه عرب در اندلس و بررسی افکار و اندیشه‌های قرآنی او در لابه لای اشعارش می‌باشد. در این تحقیق سعی شده است تا براساس سوالات مطرح شده، درباره به کارگیری مضامین و مفاهیم قرآنی توسط شاعر و میزان و نحوه این بهره مندی نتیجه مطلوبی حاصل شود.

۱-۱ شیوه‌های تأثیرپذیری شاعران از قرآن کریم

۱-۱-۱ اثرپذیری واژگانی: در این شیوه شاعر در به کارگیری پاره‌ای از واژه‌ها و ترکیب‌ها وامدار قرآن است، یعنی واژه‌ها و ترکیب‌هایی را در شعر خود می‌آورد که ریشه

قرآنی دارند و مستقیم یا غیرمستقیم به زبان شعر راه یافته‌اند و اگر قرآن نبود زبان شعر عربی نیز از آن واژه‌ها و ترکیب‌ها به‌طور کلی بی‌بهره بود.

۱-۱- ۲ اثرپذیری گزاره‌ای: که به دو نوع اقتباس و حل تقسیم می‌شود. در این شیوه گوینده گزاره، یعنی عبارت قرآنی را به همان ساختار عربی بی‌هیچ‌گونه تغییر و دگرگونی یا با اندک تغییری که در وزن و قافیه ایجاد می‌شود در شعر خود می‌آورد.

۱-۱- ۳ اثرپذیری گزارشی یا محتوایی، مضمونی: در این شیوه شاعر مضمون آیه را به‌صورت ترجمه یا تفسیر گزارش می‌دهد.

۱-۱- ۴ اثرپذیری الهامی بنیادی: در این شیوه شاعر مایه و اساس سخن خود را از آیه قرآن الهام می‌گیرد و سخنی نو را می‌سازد که آشنایان با قرآن آن را با آیه‌ای مرتبط می‌دانند.

۱-۱- ۵ اثرپذیری تلمیحی: در این شیوه نیز شاعر سخن خود را بر پایه نکتته‌ای قرآنی بنا می‌کند اما به عمد آن را با نشانه یا رمزی همراه می‌کند که خواننده را به کند و کاو وامی‌دارد.

۱-۱- ۶ اثرپذیری تصویری: در این شیوه شاعر تصاویر شعری خویش را از قرآن وام می‌گیرد و از تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه بهره می‌گیرد و صور خیالی که در آیات قرآنی به کار رفته است را بازآفرینی می‌کند و تصاویری از آیات قرآن را محور سخن خویش قرار می‌دهد.

۱-۱- ۷ اثرپذیری شیوه‌ای یا اسلوبی: در این گونه از تأثیرپذیری سخنور یکی از شیوه‌های بیانی بلاغی قرآن را برمی‌گیرد و سخن خود را به آن شیوه بیان می‌کند.

۱-۲ مروری کوتاه بر شرح حال ابن زیدون اندلسی

ابن زیدون، ابو ولید احمد بن عبد الله بن زیدون مخزومی (۳۹۴-۴۶۳ / ۱۰۰۳-۱۰۷۰) شاعر و نویسنده اواخر عصر اموی و اوایل دوره ملوک الطوائف در اندلس است (ابن بشکوال، ۱۹۹۶: ۲۵۹). پدرش که از عالمان و فقیهان بزرگ قرطبه بود در سن ۱۱ سالگی ابن زیدون درگذشت و جد مادری‌اش، ابوبکر محمد سرپرستی او را برعهده گرفت (عبدالعظیم، ۱۹۵۵: ۱۰۰ و ۱۰۱).

«وقتی به مطالعه درباره شعرای انداس می‌پردازیم، ابن زیدون را زعیم بلامنازع آنها می‌یابیم» (ابن زیدون، بی‌تا: ۲۲). از بررسی آثار ابن زیدون چنین به‌نظر می‌رسد که

بسیاری از علوم رایج آن عصر را فراگرفته بود. او در جوانی با بسیاری از مشاهیر علم و سیاست دوست بود و با آنها مجالست داشت (الفخوری، ۱۳۹۰: ۸۳۶). پس از آن بود که به موسس دولت بنی جهور نزدیک شد و از او لقب ذوالوزارتین را گرفت و از جانب او به‌عنوان سفیر نزد بعضی از پادشاهان طوائف فرستاده شد.

ابن زیدون را با شعر عاطفی لطیفش می‌شناسند و با این دیده که او اولین شاعر غزل‌سرای اندلس است به او می‌نگرند. و همچنین آنان که در زمینه‌ی ادبیات اندلس مطالعه می‌کنند بیشتر او را به نثر فائقش می‌شناسند، که اکثراً در باب رسائل اخوانی است (عتیق، بی تا: ۴۵۸). اسلوب ابن زیدون در نگارش رسائلش سبک جاحظ را به یاد می‌آورد، مخصوصاً رساله هزلیه‌اش که در آن ابن عبدوس را به سخره می‌گیرد، اسلوب تهکمی و ساخر جاحظ در «التربیع و التدویر» را به ذهن متبادر می‌کند» (همان، ۴۶۳ و ۴۶۴).

۲- ابن زیدون و قرآن

ابن زیدون به‌عنوان یکی از شاعران خلاق و توانمند عرب توانسته است با توجه و عنایت به قرآن کریم، به آفرینش آثاری فاخر و ارزشمند بپردازد و شیوه‌های مختلف این تأثیرپذیری را در اشعار خود به نمایش بگذارد. در ادامه به بررسی ابعاد مختلف این تأثیرپذیری خواهیم پرداخت:

۲-۱ اثرپذیری واژگانی

واژگان ماده اولیه‌ای است که هر شاعری با به‌کارگیری آنها تصور خود را از هستی پیرامون خود به تصویر می‌کشد؛ همانند رنگ در نقاشی که در اختیار همه‌ی نقاشان است تا با مهارت تابلوی زیبای خود را بیافرینند. ابن زیدون نیز همانند یک نقاش، با مهارت کم‌نظیری واژگان قرآنی را به‌کار می‌گیرد، تا تصور خویش را از عالم هستی و پیرامون خود به تصویر بکشد و موضوعاتی از قبیل؛ عشق، نعمت، تخت پادشاهی، صبر، اخلاق و... را دست مایه اشعارش قرار می‌دهد. ابن زیدون غالباً برای به تصویر کشیدن این امور واژگان و شخصیت‌هایداستان‌های قرآنی را به یاری می‌طلبد. اما این بهره‌مندی آگاهانه از آیات قرآن تنها به برخی از واژگان مفرد یا مرکب و یا جزئی از یک آیه منحصر نمی‌شود؛ بلکه اشعار او علاوه بر لفظ گاهی در معنا و مفهوم هم با متن قرآن کریم در ارتباط هستند. خواننده با خواندن اشعار ابن زیدون با واژگانی روبه‌رو می‌شود

که آیه‌ی خاصی را تداعی می‌کنند، واژگانی از قبیل؛ الحور، الوزر، جنه عدن، کوثر، خلق، عظیم، صبر جمیل و... ابن زیدون با آوردن چنین واژه‌هایی در شعرش سعی دارد بر تأثیر آن بر خواننده بیافزاید و به واژه‌های شعرش قداست ببخشد.

از آنجایی که ابن زیدون چندی به زندان گرفتار آمد، در یکی از قصایدش که در زندان در مدح أبو الحزم بن جهور سروده است، از نوع نگاه ممدوح به نگاه حوریان بهشتی تعبیر می‌کند تا بدین وسیله دل پادشاه را به رحم آورد و امید دوباره به همنشینی با او را ترسیم کند. او در این باره چنین می‌سراید:

«فهمتُ معنی الهوی من وحي طرفک لی؛ إِنَّ الجوارَ لمفهومٍ من الحورِ»

(ابن زیدون، ۲۰۰۴: ۱۰۶)

(معنی عشق را از آنچه که چشمانت به من الهام کرد فهمیدم چرا که معنی و مفهوم هم‌جواری و همسایگی از نگاه زیبای حوریان بهشتی فهمیده می‌شود.)

شاعر در تصویر زیبایی چشمان در این بیت از قرآن کریم الهام گرفت و از آیه‌ی «كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ» (دخان: ۵۴)، تأثیر پذیرفته است. مکارم شیرازی در توضیح واژه‌ی «الحور» می‌نویسد: چنان‌که از تفاسیر برمی‌آید زیبایی انسان بیش از همه در چشمان اوست و در این آیه شریفه خداوند چشمان زیبای حورالعین را توصیف می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج: ۱، ۲۲۵).

از جمله مضامین شعر ابن زیدون اعتذار، وصف و مدح است. اما شکر جنبه‌ی د-یگری است که در برخی اشعار او نمود پیدا می‌کند. ابن زیدون در بیت زیر از معتضد که به او اجازه داده بود تا در یکی از باغ‌هایش به گردش بپردازد، تشکر می‌کند و از باغی که متعلق به معتضد است و شاعر در آن مشغول گردش است به‌عنوان «جنه عدن» یاد می‌کند. او با ذکر این واژه سعی دارد به خواننده القاء کند که او از کسانی نیست که شکر نعمت به جای نمی‌آورند؛ بلکه وی سپاس‌گذار الطاف ولی نعمتان خویش است زیرا آن‌کس که سپاس‌گذار مخلوق نباشد، سپاس‌گذار خالق نیز نخواهد بود:

«بِوَأْتَنِي نُعْمَاكَ جَنَّةَ عَدْنٍ جَالٍ فِي وَصْفِهَا، فَضَّلَ الْقَرِيضُ»

(ابن زیدون، ۲۰۰۴: ۱۵۲)

(نعمت‌های تو مرا در بهشت جاودانی ساکن کرد که شعر در وصف آن جولان داد اما به بیراهه رفت و گمراه شد) کنایه از اینکه شعر قارذ به توصیف این نعمت‌ها نبود لذا از توصیف آن بازماند.

در این بیت واژه‌ی «جَنَّةُ عَدْنٍ» آیه‌ی: «جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى» (طه/۷۶) را به یاد می‌آورد.

ابن زیدون از جمله شاعرانی است که باب رثای پادشاهان و افراد خانواده‌ی آنان را در ادبیات اندلس گشوده است. او مراثی زیبایی در رثای ابو الحزم بن جهور و همسرش و معتضد بن عباد و مادرش دارد. (عتیق، بی تا: ۲۰۱) شاعر در ابیاتی که در رثای مادر معتضد سروده است، پس از مدح معتضد گریزی به تخت پادشاهی ممدوح می‌زند و چنان مرتبه‌ای به اریکه‌ی پادشاهی معتضد می‌بخشد و چنان آن را ارزشمند جلوه می‌دهد که سزاوار است بهترین فرشتگان آن را به بالاترین مرتبه‌ی بهشت مشایعت کنند:

«سَرِيرٌ بِأَمْلَاكِ وَ زُهْرٌ مَلَائِكٍ
إِلَى جَنَّةِ الْفِرْدَوْسِ، رَاحَ مُشِيْعًا»
(ابن زیدون، ۲۰۰۴: ۱۷۳)

(تختی که پادشاهان و بهترین فرشتگان آن را به بالاترین مرتبه‌ی بهشت یعنی فردوس برین مشایعت کرده‌اند.)

شاعر در این بیت از لفظ «جَنَّةِ الْفِرْدَوْسِ» استفاده کرده است، تا نهایت ارزش تخت پادشاهی معتضد را برای خواننده ترسیم کند. این واژه آیه‌ی «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا» (کهف/۱۰۷) را به ذهن متبادر می‌کند. شاعر در اشعاری چند از دیوانش به مسأله‌ی صبر اشاره می‌کند. او برای القای مفهوم مورد نظر خویش صراحتاً از الفاظ قرآن کریم مدد می‌جوید. به‌طور مثال در بیت زیر به مخاطب القا می‌کند که انسان صبر پیشه‌ای نیست اما وانمود می‌کند که شکیباً و صبور است. لفظ «صَبْرٌ جَمِيلٌ» که شاعر خود را از آن بی‌بهره می‌داند این مفهوم را به خوبی ترسیم می‌کند:

«لَيْسَ لِي صَبْرٌ جَمِيلٌ
غَيْرَ أَنِّي أَتَجَمَّلُ»
(ابن زیدون، ۲۰۰۴: ۲۲۴)

(من صبر نیکو ندارم اما فقط خود را صبور نشان می‌دهم.)

استخدام لفظ «صَبْرٌ جَمِيلٌ» در بیت مذکور آیاتی چون «وَجَاءُوا عَلَى قَعْبِصِهِ بَدْمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ» (یوسف: ۱۸) و «فَأَصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا» (معارض: ۵) را یادآور می‌شود.

مدح محوری است که عمده‌ی اشعار عرب بر گرد آن می‌چرخد. شاعران گاه در مدح خلفا داد سخن می‌دهند و به مبالغه برای ممدوحان صفاتی قدسی قائل می‌شوند. (ضیف، ۱۴۳۴، ج ۴/ ۲۰۴) ابن زیدون که خود از مدیحه‌سرایان قهار اندلس است، از این قاعده

مستثنی نیست و گاه الفاظ قرآنی را جان‌مایه‌ی مدیحه‌ی خود قرار می‌دهد تا ممدوح را به ذوق آورد. مثلاً آن‌جا که در قصیده‌ی «إیهأ أباً عبد الإله» به مدح وزیر ابا عبدالله بن عبد العزیز در شهر بلنسیه می‌پردازد، چه ماهرانه ترکیب «الخُلُق العَظِیم» را برای ترسیم اخلاق و منش ممدوح به کار می‌گیرد؛ گویا با این عبارت می‌خواهد به اخلاق ممدوح عظمتی مقدس ببخشد:

«إِنَّ الذی قَسَمَ الحِظوظَ، حَبَاکَ بالخُلُقِ العَظِیمِ»

(ابن زیدون، ۲۰۰۴: ۲۹۷)

(خداوند سبحان که بهره‌ها را تقسیم کرده است به تو اخلاقی بزرگ بخشیده است.)
در این بیت عبارت «الخُلُق العَظِیم» یادآور توصیف خداوند از اخلاق حضرت رسول (ص) در این آیه‌ی است: «وَإِنَّکَ لَعَلیٰ خُلُقٍ عَظِیمٍ» (قلم: ۴).

۲-۲ اثرپذیری گزاره‌ای

۲-۲-۱ (اقتباس): ابن زیدون به شیوه‌ی اقتباس گاه گزاره، یعنی عبارتی قرآنی را با همان ساختار عربی بدون هیچ‌گونه تغییری یا با اندک تغییری که در وزن و قافیه ایجاد می‌شود در سخن خود به کار می‌گیرد.

خداوند متعال در آیه‌ی «وَإِذْ نَجَّینَاکُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ یَسُومُونَکُمْ سِوَاءَ العَذَابِ یُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَکُمْ وَیَسْتَحِیُونَ نِسَاءَکُمْ وَفِی ذَٰلِکُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّکُمْ عَظِیمٌ» (بقره: ۴۹) به داستان نجات بنی اسرائیل اشاره می‌کند که توسط فرعونیان شکنجه می‌شدند، فرزندانشان را می‌کشتند و زنانشان را برای کنیزی نگه می‌داشتند. قرآن مخصوصاً برای مجسم کردن عذابی که بنی اسرائیل متحمل می‌شدند تعبیر به «یَسُومُونَ» کرده است و از آنجا که فعل مضارع دلالت بر دوام و استمرار می‌کند درمی‌یابیم که بنی اسرائیل به‌طور مداوم تحت شکنجه فرعونیان بودند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۱۴۷).

شاعر پاره‌ای از این آیه را با اندک تغییری اقتباس می‌کند، تا شدت عذابی را که از ناحیه‌ی محبوبش متحمل می‌شود برای مخاطب مجسم کند؛

«أَیَجْمَلُ أَنْ أُبَیْحَکَ مَحْضَ وَدِّی وَ أَنْتَ تَسُومُنِی سِوَاءَ العَذَابِ»

(ابن زیدون، ۲۰۰۴: ۳۳)

(آیا این شایسته است که من عشق نابم را به تو ببخشم و خالصانه تو را دوست داشته باشم اما تو مرا دم بدم بیازاری و شکنجه کنی!؟)

«إِنْ عَيْلٌ صَبْرِي مِنْ فِرَاقِكَ فَالْعَذَابُ بِهِ أَلِيمٌ»

(همان، ۲۷۷)

(اگر کاسه‌ی صبرم از دوری تو لبریز شده است، پس عذاب و شکنجه‌ی حاصل از این فراق دردناک است.)

این بیت در مدح ابا عبدالله بن عبدالعزیز است. ابن زیدون در اینجا بیان می‌کند کاسه‌ی صبرش در فراق ممدوح لبریز شده، و درد فراق برای او بسیار دردناک است و او طاقت از کف داده است. او برای القای این بی‌تابی و شدت اندوهی که از فراق ممدوح متحمل می‌شود از ترکیب «عذاب أليم» مدد می‌جوید. این ترکیب عیناً در بسیاری از آیات تکرار شده است و خداوند متعال همواره کسانی که با او سر ناسازگاری دارند و به او ایمان نمی‌آورند را به چنین عذابی تهدید می‌کند. مثلاً در آیه‌ی «وَ أَنْ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» (اسراء: ۱۰) کسانی را که به آخرت ایمان ندارند، به عذاب دردناک روز قیامت بشارت می‌دهد.

«وَ جَاهِدْ، فِى اللّٰهِ، حَقَّ جِهَاتِهَا دِ مَن دَانَ، مِنْ دُونِهِ، بِالصَّنَمِ»

(ابن زیدون، ۲۰۰۴: ۲۸۶)

(در راه خدا چنان که حق جهاد در راه اوست مجاهدت ورزید و با کسانی که به جای خدا بت را معبود خویش قرار دادند مبارزه کرد.)

شاعر در این بیت برای افاده‌ی مقصود خود قسمتی از آیه‌ی «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ...» (حج: ۷۸) را با اندک تغییری فرامی‌خواند و چنین بیان می‌کند که ممدوح در راه اصلاح دین و هموار کردن راه حق به بهترین وجه، آنگونه که حق جهاد در راه خداوند است تلاش کرده است.

«خَفَضَتْ جَنَاحَ الدَّلِّ فِي الْعِزِّ رَحْمَةً لَهَا، وَعَزِيزٌ أَنْ تَذِلَّ وَتَخْضَعَا»

(ابن زیدون، ۲۰۰۴: ۱۷۴)

(از روی مهربانی بال‌های فروتنی را برای او پایین آوردی و بسیار دشوار است که ذلت را بپذیری و در برابر کسی خاضع باشی)

خداوند متعال بسیار به فروتنی و خشوع دعوت می‌کند و می‌توان گفت آن را اساس شخصیت انسانی می‌داند. این دعوت در رابطه با والدین بسیار پررنگ‌تر می‌شود و با تأکید فراوان همراه است. مثلاً در سوره‌ی اسراء بعد از این که از انسان‌ها می‌خواهد که برای ذات مقدسش شریکی قرار ندهند و جز او را نپرستند به احسان به والدین به ویژه هنگام پیری و رنجوری سفارش می‌کند و در ادامه با آوردن آیه‌ی «وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ»

الدَّلَّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلَّ رَبِّ ارْحَمَهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» (اسراء: ۲۴) از ما می‌خواهد که همواره در مقابل والدین فروتن بوده و بال‌های خشوع و خضوع را از روی مهربانی و عطوفت در مقابل آن‌ها بگسترانیم. ابن زیدون پاره‌ای از این آیه کریمه را با تغییری اندک برای افاده‌ی مقصود خود فرا می‌خواند و آن را به ممدوح نسبت می‌دهد چرا که فروتنی مهربانانه را دلیل بزرگواری و مناعت طبع ممدوح می‌داند.

۲-۲-۲ (حل): گاهی تنگنای قافیه و وزن و همچنین اشتیاق به اقتباس، گوینده را بر آن می‌دارد تا برای آراستن سخن خود به آیات قرآن، بیش از پیش آن‌ها را تغییر دهد و چه بسا ساختار اصلی آیه را هم از هم بپاشد. این تغییر و تحول در بافت آیات که حل نامیده می‌شود، در اشعار شاعران عرب کاربرد فراوانی دارد.

ابن زیدون نیز به‌عنوان یک شاعر عرب از این قاعده مستثنی نیست، مثلاً در قصیده‌ی «معنی الأمانی» که آن را در زندان در مدح ابن جهور سروده است، در ابیاتچند از ابن جهور پوزش می‌طلبد و از او طلب غفران می‌کند و چون پیامبری که آیات الهی را برای هدایت مردم می‌خواند زبان به نصیحت ممدوح می‌گشاید و او را به غفران و گذشت توصیه می‌کند؛ زیرا بهشتی جاودان در سرای آخرت برای او مهیا شده است. ابن زیدون برای مسحور کردن ابن جهور آیات «يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ» (توبه ۲۱) و «أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه: ۸۹) را در ضمن شعر می‌گنجاند و این‌گونه می‌سراید:

«نَعِيمٌ جَنَّةٍ دُنْيَا، إِنْ هِيَ انصَرَمَتْ نَعِمْتَ بِالْخُلْدِ فِي الْجَنَّاتِ وَالنَّهْرِ»

(ابن زیدون، ۲۰۰۴: ۱۱۱)

(در بهشت پر نعمت دنیا زندگی کن، هر چند که روزی به پایان می‌رسد، در بهشت-هایی که نه‌هایی از زیر درختان آن روان است از جاودانگی لذت ببر و دلشاد باش.) همان‌گونه که معلوم است شاعر چون خود را در چنگال وزن و قافیه اسیر می‌بیند، چاره‌ای جز تغییر ساختار آیات ندارد، اما این کار را ماهرانه انجام می‌دهد به‌گونه‌ای که علاوه بر جاودانه شدن شعرش، اصل آیات نیز در ذهن مخاطب تداعی می‌شود.

ابن زیدون در جواب قصیده‌ای که معتمد بن عباد برایش فرستاده است بعد از ستایش خلق کریم و سرور و شادی معتمد بن عباد و خنده‌های شیرینش و برتری‌اش نسبت به سایر مردم، او را چنان خوشبخت و سعادت‌مند معرفی می‌کند که سحرگهان نیکویی و احسان را با جام‌هایی سرشار به او می‌نوشانند. ابن زیدون برای آفرینش این

مفهوم زیبا از عبارات قرآنی استمداد می‌جوید و آیه‌ی «وَكَاَسَا دِهَاقًا» (نبأ: ۳۴) را با ساختار قصیده‌ی خود هم‌آهنگ می‌کند و آن را به‌گونه‌ای در بافت شعر خود حل می‌کند، که گویی جزئی از شعر اوست ولی هم‌چنان ردپای آیه‌ی قرآنی در شعر معلوم است و قداستی جاودانگی به آن بخشیده است. او چنین می‌سراید:

«وَأَرْتَفِقُ بِالسَّعْدِ فِي دَسْتِ الْمُنَى، تَصْبِحُ الصَّنْعَ دِهَاقَ الْأَكْوَسِ»

(ابن زیدون، ۲۰۰۴: ۱۴۴)

(شاعر در اینجا امیر را مورد خطاب قرار می‌دهد و به او می‌گوید ای امیر بر تخت آرزوهایت تکیه بزن تا احسان و بخشش تو پی در پی جاری شود همانگونه که جامها پی در پی از شراب لبریز می‌شوند.)

قرآن کریم سرشار از داستان‌های عبرت آموز و زیبایی است که انسان را مسحور شیوه‌ی بیان خود می‌کنند. شاید به همین دلیل است که قرآن سرشار از داستان‌هایی است که چون تلاوت می‌شود گویا مادری بر بالین فرزند خویش قصه می‌خواند تا آرام بگیرد. از جمله داستان‌هایی که در قرآن فراوان به آن اشاره شده است داستان حضرت موسی (ع) و مراحل زندگی ایشان است، شاید بتوان گفت که قرآن توجه ویژه‌ای به زندگی این پیامبر داشته است که جزئیات زندگی او را چنین دقیق به‌تصویر می‌کشد. از جمله در این آیات «إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ» (طه: ۳۸)؛ و «أَنْ أَقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَأَقْذِفِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِي وَعَدُوٌّ لَهُ وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّي وَلِتُصْنَعَ عَلَىٰ عَيْنِي» (طه: ۳۹) به دوران کودکی حضرت اشاره دارد، آنگاه که خداوند متعال به مادر موسی (ع) وحی کرد که او را در تابوت بگذارد و به دریا بسپارد تا دست سرنوشت او را به دامان دشمنان خدا و پیغمبرش بیافکند. حال ابن زیدون در قصیده‌ی «ألم يأن أن يبيكى الغمام؟» که آن را درمدح و شکایت از ابن جهور سروده است، به دوری خود از ابن جهور و زندانی شدنش اشاره می‌کند و خود را دلداری می‌دهد که او اولین کسی نیست که از مقام و منزلتش طرد شده است؛ زیرا آسمان نیز گاهی ستارگانش را از آن ارتفاع پرت می‌کند. او رد این باره چنین می‌سراید:

«وَفِي أُمَّ مُوسَىٰ عَبْرَةً أَنْ رِمَتْ بِهِ إِلَى الْيَمِّ فِي التَّابُوتِ، فاعتبري و اسلي»

(ابن زیدون، ۲۰۰۴: ۲۴۰)

(در داستان مادر حضرت موسی (ع) عبرتی نهفته است، آن‌گاه که فرزندش را در تابوت نهاد و به آب انداخت، پس پند بگیر و آرامشت را حفظ کن.)

ابن زیدون در این بیت به جدایی حضرت موسی(ع) از مادرش اشاره می‌کند که فرزندش را از ترس فرعون به آب انداخت تا خداوند متعال با اراده‌ی خویش او را عزت بخشد. شاعر زندانینیز با این مقدمه‌چینی زیبا امید آن دارد که پادشاه صاحب فضل به پاس دوستی قدیمی که با هم داشته‌اند با او همکاری کند و با آزادی از زندان منزلت سابقش را به او بازگرداند.

داستان حضرت ابراهیم(ع) نیز از داستان‌های شیرین و جذابی است که قرآن به آن می‌پردازد. خداوند سبحان در آیات بسیاری به داستان مبارزه‌ی ابراهیم(ع) با مشرکان و بت‌پرستان اشاره می‌کند. حضرت ابراهیم(ع) به بت‌خانه‌ی آن‌ها می‌رود و آن‌ها را درهم می‌شکند تا شاید با این کار مشرکان را به تفکر درباره‌ی معبودان دروغینشان سوق دهد، اما آن‌ها از خواب غفلت بیدار نمی‌شوند و اقدام به سوزاندن پیامبر خدا می‌کنند و چون آتش عظیمی برمی‌افروزند و ابراهیم(ع) را در آن می‌افکنند، خداوند به آتش دستور می‌دهد که بر ابراهیم سرد و بی‌آسیب باشد و او را سلامت بدارد.

ابن زیدون بعد از این که حدود دو ماه در زندان به سر می‌برد و گشایشی در کار خود نمی‌بیند، قصیده‌ای در مدح وزیر ابن جهور می‌سراید و از حال و روز بدش به او شکایت می‌کند و از ظلم وزیر در حق خویش، به آتشی تعبیر می‌کند که زبانه می‌کشد و این آتش به بهشت شاعر سرایت کرده و روزگارش را تیره و تار کرده است. ابن زیدون در بیت زیر به وزیر یادآوری می‌کند که آتش هم می‌تواند انسان را ایمن نگه دارد و اگر وزیر اراده کند می‌تواند آتش ظلمش را خاموش کند و مانند آتشی که حضرت ابراهیم(ع) را نسوزاند، بر ابن زیدون که در آتش حسادت حسودان می‌سوزد، سرد و بی‌آسیب باشد. او برای افاده‌ی این مقصود آیه‌ی « قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ » (انبیاء: ۶۹) را در ضمن بیت زیر حل می‌کند:

«بِأَبِي أَنْتَ، إِنْ تَشَاءُ، تَكُ بَرْدًا وَ سَلَامًا، كَنَارِ إِبْرَاهِيمِ»
(ابن زیدون، ۲۰۰۴: ۲۸۲)

(ای آتش! پدرم به فدای تو! اگر بخواهی سرد می‌شوی و سلامت نگه می‌داری و آسیب نمی‌رسانی، مانند آتش ابراهیم(ع)).

۲-۳ اثر پذیری گزارشی (محتوایی، مضمونی)

شعر بسیاری از شاعران عرب از نظر واژگان و درون‌مایه، با قرآن کریم مرتبط است، به گونه‌ای که این دسته از شاعران محتوای آیات را در اشعارشان به کار می‌گیرند. ابن

زیدون نیز به‌عنوان یک شاعر عربزبان این قاعده خارج نیست، وی در بسیاری از اشعارش از محتوای آیات قرآنی الهام گرفته و آن‌ها را به زیبایی به‌کار برده است:

«كَانَ الْوُشَاءُ، وَ قَدْ مَنِيْتُ بِأَفْكَهِمْ
أَسْبَاطَ يَعْقُوبٍ، وَ كُنْتُ الذِّيْبَا»

(ابن زیدون، ۲۰۰۴: ۴۸)

(سخن‌چینانی که من به دروغ آنها گرفتار شدم، همچون فرزندان یعقوب (ع) بودند که من در نظر آنان بسان گرگ بودم.)

در قصائد استعطافی ابن زیدون دیده می‌شود که او استعطاف و مدح امیر را به هم می‌آمیزد. (عتیق، بی‌تا: ۲۳۶) مثلاً شاعر در این بیت که از قصیده‌ی «أنا سيفك الصديء» است و آن را در مدح ابو الحزم بن جمهور سروده است اوضاع و احوال نابسامان خویش را توصیف می‌کند، اوضاعی که سخن‌چینان و حسودان مسبب آن هستند. ابن زیدون در این بیت برای به تصویر کشیدن حال و روز خویش و خبائث و حسادت دشمنانش داستان حضرت یوسف (ع) در قرآن را فرا می‌خواند که در نظرش بهترین نمونه برای بیان این منظور است. داستان حضرت یوسف (ع) و برادرانش از جمله داستان‌های بسیار زیبای قرآنی است که آنان یوسف را از فرط حسادتشان به چاه می‌اندازند آن‌گاه با پیراهنی خونی و دروغین نزد پدر می‌آیند و مدعی می‌شوند که یوسف (ع) را گرگ دریده است و واقعه‌ای ساختگی را برایش تعریف می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۹: ۴۰۸).

آیه‌ی «قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَ تَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتَاعِنَا فَأَكَلَهُ الذِّئْبُ وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ» (یوسف: ۱۷) به این واقعه اشاره دارد.

«ما للذئوب، التي جاني كبائرها
غَيْرِي، يُحَمِّلِنِي أَوْزَارَهَا وَزَرِي»

(دیوان، ۲۰۰۴: ۱۰۸)

(گناهان را چه شده است که دیگران بزرگترین آن‌ها را مرتکب می‌شوند اما ابوالحزم آن‌ها را بر دوش من می‌اندازد؟!)

ابن زیدون قصائد زیادی در باب استعطاف دارد که آن‌ها را برای ابو الحزم بن جمهور که او را زندانی کرده بود سروده است، چرا که دشمنان ابن زیدون امیر را وادار کردند تا چنین حکمیدرباره‌ی او بدهد. (عتیق، بی‌تا، ۲۳۶)؛ از جمله در بیت فوق به شکایت از وضعیتی می‌پردازد که به آن دچار شده است و با لحنی آرام و منطقی، ابن جمهور، که پشتیبان و یاور همیشگی او بوده است را مورد خطاب قرار می‌دهد که چرا نسبت به او بدبین شده است و سعایت حاسدان و سخن‌چینان را گوش کرده و بار گناهی که دیگران مرتکب شده‌اند را بر دوش ابن زیدون گذاشته است؟! او برای القای این منظور

عباراتی را به کار گرفته است، که نشانه‌ی آگاهی فراوان او از قرآن کریم است. وی به-گونه‌های ژرف و دلپذیر مضمون آیه‌ی «أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (نجم: ۳۸)؛ را بار دیگر در این بیت بازآفرینی می‌کند. شاعر با وجود مصائب و بلاهایی که گرفتار آن‌ها شده است امید آن دارد که ابن جهور را بر سر رحم آورد تا شاید بار گناه نکرده را از دوشش بردارد و از زندان آزادش کند.

حَيَاهُ الْوَرَى نَهَجٌ، إِلَى الْمَوْتِ مَهِيَعٌ لَهُمْ فِيهِ إِيْضَاعٌ، كَمَا يُوَضِعُ السَّفْرُ...
 إِذَا الْمَوْتُ أَضْحَى قَصَرَ كُلُّ مَعْمَرٍ فَإِنْ سَوَاءً طَالَ أَوْ قَصَرَ الْعَمْرُ...
 أَنْفَسَ نَفْسٍ فِي الْوَرَى أَقْصَدَ الرَّدَى؟ وَ أخطرَ عَلَيَّ، لِلْهُدَى، أَهْلَكَ الدَّهْرُ؟»

(ابن زیدون، ۲۰۰۴: ۱۱۹)

(زندگی مردم بسان جاده پهناوری است که به مرگ منتهی می‌شود و مردم شتابان در این جاده در حرکتند همان‌گونه که مسافر شتابان به سوی مقصدش می‌رود/ وقتی مرگ سرانجام و پایان کار هر موجود زنده‌ای است، در این صورت عمر چه کوتاه باشد چه طولانی هیچ فرقی ندارد و یکسان است/ آیا گرانقدرترین انسان در بین مردم، طعمه مرگ شد؟ آیا روزگار گرانبهارترین گنجینه را نابود کرد؟)

«لنا فی سوانا عبرة» قصیده‌ای است که در آن شاعر به مدح ابن جهور و رثای مادرش می‌پردازد. در ابیاتی چند از قصیده، از جمله بیت مذکور از مرگ سخن به میان می‌آورد و زندگی مردم را جاده‌ای پهناوری ترسیم می‌کند که به مرگ ختم می‌شود و مردم شتابان در این راه از هم سبقت می‌گیرند. چه ماهرانه مضامین قرآنی را برای افاده-ی مقصود خود به کار می‌گیرد! چرا که خداوند متعال در جای جای قرآن با بیانی رسا و شگفت‌انگیز واقعیت مرگ را برای انسان شرح و بسط می‌دهد و در آیات فراوانیبه مسأله مرگ اشاره می‌کند؛ از جمله آیه‌ی «أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكْكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ...» (نساء: ۷۸) و آن را امری حتمی می‌داند که هیچ‌کس را توان گریز از چنگال-های درنده‌اش نیست. حتی اگر در برج‌های مرتفع و محکم باشند. امام علی(ع) در این باره می‌فرماید: هنگامی که تو عقب می‌روی و مرگ به جلو می‌آید چه زود بایکدیگر ملاقات می‌کنید! (نهج البلاغه، حکمت، ۲۵ و ۲۹)

ابن زیدون نیز همین مضمون را در بیت مذکور به زیبایی به نمایش می‌گذارد؛ زیرا وقتی مرگ بیاید هر زنده‌ای زندگی‌اش به پایان می‌رسد. پس به همین خاطر کوتاه یا طولانی بودن عمر یکسان است.

«و بعد ذا عَوَّضَ عَنْ دَارِهِ عَدْنًا، وَ مِنْ دِيْبَاجِهِ السَّنْدُسَا»
(ابن زیدون، ۲۰۰۴: ۱۴۲)

(پس از این، خداوند به جای آن دنیا، سرای جاودان و به جای لباس‌های این دنیا، جامه‌هایی از حریری را می‌بخشد.)

در این بیت که از قصیده‌ی «لا زال بدرأ» است، ابن زیدون از سرای جاودان و نوع پوشش‌های بهشتیان سخن می‌گوید و با بهره‌گیری از مضامین قرآنیدر صدد ترسیم این اندیشه است که این دنیای زودگذر و فانی سرانجام به پایان می‌رسد و آن‌جاست که خداوند سرای جاودان و بهشت برین را به انسان عرضه می‌کند، بهشتی که سرشار از انواع نعمت‌هاست و انسان در آن‌جا با بهترین و ارزنده‌ترین پوشش‌ها ظاهر می‌شود. خداوند متعال نیز در جای جای قرآن از سرای جاودان و نعمت‌های فراوان آن و نوع پوشش بهشتیان سخن می‌گوید، از جمله در این آیه: «أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا» (کهف: ۳۱) بهشت را برای مؤمنان اینگونه به تصویر می‌کشد که آنان با زینت‌هایی از طلا و لباس‌های سبز رنگ حریری و ابریشمی به بهترین وجه ممکن بر تکیه‌گاه‌هایی تکیه داده‌اند. ابن زیدون چه آگاهانه و زیبا مضامین این آیه را در شعر خویش به تصویر می‌کشد.

«فَرَرْتُ فَإِنِ قَالُوا الْفِرَارُ إِرَابَةٌ فَقَدْ فَرَّ مُوسَى حِينَ هَمَّ بِهَ الْقَيْطُ»
(ابن زیدون، ۲۰۰۴: ۱۵۹)

(من فرار کردم و اگر بگویند فرار شک برانگیز است، می‌گویم: پیش از من حضرت موسی(ع) نیز فرار کرده است، آنگاه که فرعونیان در پی او بودند تا او را بکشند.)
این بیت از قصیده‌ی «شط المزار» است که ابن زیدون بعد از فرار از زندان و در زمان آوارگی‌شدر قرطبه آنرا سروده است. او در این قصیده ولاده را مورد خطاب قرار می‌دهد و از علت فرارش سخن می‌گوید، و آن را توجیه می‌کند؛ زیرا او اولین کسی نیست که اقدام به فرار کرده است و قبل از او نیز کسانی بوده‌اند که پا به فرار گذاشته‌اند. او برای توجیه عمل خویش از مضامین قرآن مدد می‌گیرد و به داستان فرار حضرت موسی(ع) آن‌گاه که پس از کشتن یکی از فرعونیان تحت تعقیب بود اشاره می‌کند و خطاب به کسانی که فرار او را نوعی ننگ و عار می‌دانند از داستان فرار شخصی چون پیامبر خدا سخن می‌گوید. این مسأله عمق اطلاعات ابن زیدون و آگاهی وسیع او از مضامین و داستان‌های قرآن را به خوبی نمایان می‌سازد. قرآن کریم در این آیات «وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ

أَفْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنَّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ» (قصص: ۲۰)؛ و «فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الظَّالِمِينَ» (قصص: ۲۱)، به این داستان اشاره می‌کند و از شخصی معروف به مؤمن آل فرعون سخن می‌گوید که به موسی(ع) خبر می‌دهد که فرعونیان در پی او هستند و او را به فرار از شهر تشویق می‌کند تا جایی که قانع می‌شود و برای نجات از دست ظالمان اقدام به فرار می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۱۶: ۱۶۵ و ۶۱).

«إِنْ يَنْكَدِرِ بِالْأَمْسِ نَجْمٌ ثاقِبٌ فاليومَ أفلعَ عارضٌ هطّالٌ»

(ابن زیدون، ۲۰۰۴: ۲۴۸)

(اگر دیروز ستاره‌ی پرفروغ، بی‌نور شد، پس امروز ابر باران‌زا حرکت کرد و دست از بارش کشید.)

این بیت از قصیده‌ی «حیاء ناقصه و فضل کامل» است که شاعر آن را در رثای قاضی أبو بکر بن ذکوان سروده است. گویا وفات أبو بکر بن ذکوان شاعر را اندوهگین کرده است که چنین زیبا و کم‌نظیر همان مفاهیم و مضامینی را که قرآن برای ترسیم قیامت و هنگامه‌ی نابودی این جهان مادی به کار می‌گیرد و از ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد قرآن کریم است، برای القای اندیشه‌ی خود استفاده کرده است. خداوند بزرگ در آیات بسیاری از کلام وحی، هنگامه‌ی برپایی قیامت را با تصاویر ملموس و نزدیک به ذهن به نمایش می‌گذارد. مانند متلاشی شدن کوه‌ها و جوشان شدن دریاها، اما خداوند برای به تصویر کشیدن این منظره بسیار از اجرام سماوی مخصوصاً ستارگان و تاریک شدن آن‌ها و تغییر حالت آن‌ها استفاده می‌کند؛ چرا که ستارگان در آستانه‌ی قیامت فروغ و روشنایی خود را از دست می‌دهند و پراکنده می‌شوند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۶: ۱۸۱) و با قطعیت تمام از برپایی قیامت خبر می‌دهد. حال ابن زیدون از قرآن تأثیر پذیرفته و مفهوم چند آیه را در یک بیت گنجانده است. و چون می‌خواهد حادثه‌ی مرگ قاضی و شدت اندوه خودش را به خواننده القا کند، مضمون دو آیه‌ی «النَّجْمُ الثَّاقِبُ» (طارق: ۳) و «وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ» (تکویر: ۲) را به کار می‌گیرد.

«رَيْبٌ مُلْكٍ كَأَنَّ اللَّهَ أَنْشَأَهُ مِسْكَاً وَقَدَّرَ إِنْشَاءَ الْوَرَى طِينَنَا
أَوْ صَاغَهُ وَرِقاً مَحْضاً وَتَوَجَّهَ مِنْ نَاصِعِ التَّبْرِ إِبْدَاعاً وَتَحْسِينَا»
(ابن زیدون، ۲۰۰۴: ۳۰۰)

(دوست من از سلاله و نسل پادشاهان است، گویا که خداوند او را از مشک آفریده است در حالی که بقیه مردم را از گل خلق کرده است / یا این که خداوند او را از نقره‌ی

خالص ساخته است و برای شایستگی و نیکویی بیشتر تاجی از طلا را بر سر او نهاده است. بیت دوم کنایه از اینکه او چهره‌ای سفید و نورانی و موهایی طلایی دارد.)
 ابیات مذکور از قصیده‌ی «أضحی التنائی» است که شاعر آن را برای ولاده دختر المستکفی معشوق خویش می‌فرستد و از او می‌خواهد تا بر عهد خود بماند و به روزهای گذشته‌ای که با هم داشته‌اند حسرت بخورد. شاعر در این ابیات به تصویر زیبایی‌های جسم معشوق خویش ولاده می‌پردازد و با استمداد از مضامین قرآنی او را شاهکار خلقت معرفی می‌کند. ابن زیدون ادعا می‌کند که خداوند همه‌ی انسان‌ها را از گل سرشته است ولی ولاده را از مشک یا از نقره‌ی خالص و در آفرینش او کمال دقت و ظرافت را به کار بسته است. همه این مضامین بارها در قرآن تکرار شده است. خداوند جلیل در آیات فراوانی مراحل تکمیل خلقت انسان را یادآور می‌شود و همواره به خاطر ابداع و حسن توجهی که در خلقت انسان داشته است به خود می‌بالد و بارها خویش را با نام‌هایی چون احسن الخالقین معرفی می‌کند. به‌عنوان مثال در آیه‌ی «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ» (سجده: ۷) به خلقت انسان اشاره می‌کند که او را از گل سرشته است و در ابتدای آیه توجه مخاطب را به حسن خلقت نظام آفرینش جلب می‌کند. این همان مضامینی است که ابن زیدون آن‌ها را در ابیاتی که در وصف ولاده سروده است بازآفرینی کرده است.

«وَضَحَّ الْحَقُّ الْمَبِينُ وَ نَفَى الشَّكَّ الْيَقِينُ»

(ابن زیدون، ۲۰۰۴: ۳۰۴)

(حقیقت آشکار روشن شد و یقین شک را از بین برد.)

ظاهر شدن حق و حقیقت و نابودی شک و باطل کانونی است که بسیاری از آیات قرآن بر محور آن می‌چرخد. بسیاری از آیات وحی چیرگی حق بر باطل و ناحق را به تصویر می‌کشند. حق و حقیقت واقعی است که بدون شک روشن می‌شود. خداوند در سوره‌ی اسراء می‌فرماید که چیزی نمانده بود که مشرکان پیامبر را از راه صواب و درست منحرف کنند تا غیر از آن چه که بر او وحی شده است را بر خدا ببندد و اگر اراده‌ی خداوند نبود پیامبر به سوی آن‌ها متمایل می‌شد. در ادامه خدا از رسولش می‌خواهد که نماز به پا دارد و شب‌زنده‌داری کند و در محضر خداوند دعا کند که او را یاری و حق و حقیقت را هویدا سازد و بنیان باطل را برکند. خداوند در آیه‌ی «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (اسراء: ۸۱)، افعال را به صورت ماضی به کار برده است تا بر حتمیت وقوع فعل دلالت داشته باشد و با تزییلی که در ادامه‌ی آیه آمده

است و قسمت دوم آیه کریمه را تأکید می‌کند، ظاهر شدن حق و نابودی باطل کاملاً مسجل می‌شود (هاشمی، ۱۳۹۰: ۴۱۸).

۴-۲ اثرپذیری تلمیحی

گاه شاعر سخن خویش را بر پایه‌ی نکته‌ای بنا می‌نهد اما به عمد آن را با نشانه‌ای باستانی و اشاره‌ای به گذشته همراه می‌سازد و این‌گونه خواننده‌ی اهل دل و آشنا را با آن‌چه بدان نظر داشته، رهنمون می‌شود و چه بسا خواننده‌ی ناآشنا را به کاوش و تحقیق وا می‌دارد و بدین صورت کلام خود را به شکلی سازماندهی می‌کند تا بتواند پلی به گذشته باشد و تجربیات تاریخ‌ساز گذشته را یادآوری نماید. مثلاً در بیت:

«أَقْلَى بُكَاءٍ، لَسْتَ أَوْلَ حُرَّةٍ طَوَّتْ بِالْأَسَى كَشْحاً عَلَى مَضِّ الثُّكُلِ
وَفَى أُمِّ مُوسَى عِبْرَةٌ أَنْ رَمَتْ بِه إِلَى الْيَمِّ، فِي التَّابُوتِ، فَاعْتَبِرِي وَاسْلِي»
(دیوان، ۲۰۰۴: ۲۴۰)

(کم‌گریه و زاری کن، چراکه تو اولین زن آزاده‌ای نیستی که با اکراه در معرض اندوه قرار گرفته است/ در داستان مادر حضرت موسی(ع) عبرتی نهفته است، آن‌گاه که فرزندش را در تابوت نهاد و به آب انداخت، پس پند بگیر و آرامشت را حفظ کن.)
ابن زیدون در این ابیات از قصیده «ألم يأن أن يبكي الغمام؟» با خطاب قرار دادن مادر خویش و بیان مشقت و غم غربت دوران اسارت، ضمن به تصویر کشیدن زندان و رنج، به داستان تولد و کودکی پردغدغه حضرت موسی (ع) تلمیحی زده است و از مادرش می‌خواهد با تاسی به مادر حضرت موسی از حزن و گریه خویش بکاهد. وی ضمن ایجاد امیدواری و همانندسازی میان فراق و دوری حضرت موسی (ع) و کودکی پردرد آن حضرت با دوران ملتهب و پرآشوب وی در زندان و انوه مادرش از این فراق، امیدوارانه آرزومند پایان غم، اندوه و فراق است. بر این اساس شاعر در پی القای معنای تلمیحی کلام خود از آیه «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفَتْ عَلَيْهِ فَأَلْقَيْهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ» (القصص: ۷)؛ اقتباس کرده و کلام خود را برجسته ساخته است. لازم به ذکر است ابن زیدون علاوه بر تلمیح به داستان تولد و فراق حضرت موسی(ع) و ارتباط معنایی آن با دوران اسارتش در زندان، صبر و شکیبایی در دوران سختی‌ها و مشکلات نیز متذکر شده است.

۵-۲ اثرپذیری تصویری

گاه شاعر شعر خویش را از قرآن وام می‌گیرد و از تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه‌های قرآنی بهره می‌گیرد و صور خیالی که در آیات قرآنی به‌کار رفته است را در همان موقعیت یا در موقعیتی مشابه بار دیگر می‌سراید و تصاویر آیات قرآن را محور سخن خویش قرار می‌دهد:

«وَإِنِّي لَيْسْتُ هَوْنِي الْبَرْقُ صَبْوَةٌ إِلَى بَرْقِ تُعْرِ إِنُّ بَدَا كَادَ يَخْطُفُ»

(ابن زیدون، ۲۰۰۴: ۱۸۵)

(برق دندانه‌های محبوب مرا شیفته و مجذوب خویش می‌کند و مشتاق برق دندان او می‌شوم و آن‌گاه که آن دندانه‌ها آشکار می‌شود چشم‌ها را خیره می‌کند)

ابن زیدون این بیت را در مدح معتضد بن عباد، امیر اشبیلیه سروده است و با این قصیده عید را به او تبریک گفت. شاعر در مقدمه‌ی غزلی این قصیده به توصیف و تمجید از ولاده می‌پردازد، به‌گونه‌ای که برق دندانه‌های معشوقه‌ها را شیفته می‌کند و مشتاق دندان‌های براق و سفید ولاده شده و با آشکار شدن آنها چشمان ابن زیدون خیره می‌شود. با اندک آشنایی از قرآن درمی‌یابیم که شاعر این تصویر را از آیه‌ی «يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطُفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره: ۲۰) به عاریه گرفته است. خداوند متعال در این آیه و آیات قبل از آن به گمراهی مشرکان اشاره می‌کند که در تاریکی صحرا همزمان که برقی می‌زند و بیابان تاریک، روشن می‌شود، چندگامی در پرتو آن راه می‌روند ولی بلافاصله ظلمت بر آنها مسلط می‌شود و آنها را در جای خود متوقف می‌کند و این نور خیره کننده نزدیک است که چشمانشان را نابینا کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۴۷) ابن زیدون به زیبایی این تصویر را از قرآن الهام گرفته است و برق دندان‌های معشوقه‌اش را به همان برقی که در تاریکی محض برگمراهان عرضه می‌شود، تشبیه می‌کند و این برق چشمان عاشق را مسحور و مبهوت تالکو خود می‌کند.

«جَحِيمٌ لِعَاصِيهِ، يُشَبَّبُ وَقْوَدُهُ، وَجَنَّةٌ عَدْنٍ لِلْمُطِيعِينَ تَزْلَفُ»

(ابن زیدون، ۲۰۰۴: ۱۸۷)

(ممدوح من برای هر که او را فرمان نبرد بسان آتش جهنمی است که برافروخته می‌شود، همانگونه که بهشت جاودانی است که به افراد فرمان‌بردار نزدیک می‌شود.)

این بیت در مدح معتمد بن عباد امیر اشبیلیه است که شاعر از او به‌عنوان جهنمی یاد می‌کند که متمردان و کسانی که از او فرمان نمی‌برند را در کام خود می‌کشد و آن‌ها هیزم آتش سوزان خشم او می‌شوند و در مصرع دوم جنبه‌ای دیگر از اخلاق ممدوح را

به تصویر می‌کشد که در مقابل کسانی که مرید او هستند و او را فرمان می‌برند بسیار نرم‌خو و مهربان است، به‌گونه‌ای که افراد به او نزدیک می‌شوند و در کنار او جاه و مکان می‌یابند و از او به‌عنوان بهشتی یاد می‌کند که مطیعان درگاه او، گرداگردش حلقه می‌زنند. کاملاً مشخص است که ابن زیدون مبدع این تصویر نیست و شاعر تنها وامدار قرآن است و همان تصاویری که در قرآن به‌کار رفته است را بار دیگر در موقعیتی مشابه بازآفرینی می‌کند؛ زیرا قرآن در آیه‌های «وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ» (شعراء: ۹۰) و «وَبُرَزَّتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ» (شعراء: ۹۱) آنگاه که درباره‌ی صحنه‌ی قیامت و آخرت سخن می‌گوید چنین تصویری را به نمایش می‌گذارد که در آن روز بهشت به پرهیزکاران نزدیک می‌شود و جهنم برای گمراهان نمودار می‌گردد.

ابن زیدون در قصیده‌ای «أضحى التنائى» ولاده را مخاطب قرار می‌دهد و از او می‌خواهد که بر عهد خودش پایدار بماند و بر روزهای گذشته‌اش حسرت بخورد؛ چرا که معشوق با او دل بد کرده و عهد و پیمانانش را از یاد برده است. ابن زیدون خطاب به ولاده می‌سراید:

«يَا جَنَّةَ الْخُلْدِ أَبْدِلْنَا، بِسِدْرَتِهَا وَ الْكَوْثَرِ الْعَذْبِ، زُقُومًا وَ غَسَلِينَا»
(ابن زیدون، ۲۰۰۴: ۳۰۱)

(ای بهشت جاودان، در فراق و دوری تو، درخت سدر و آب کوثر به درخت زقوم و آب غسلین تبدیل شده است یعنی شادابی و نشاط ما در فراق تو به تلخی و ناراحتی تبدیل شده است.)

شاعر در این بیت ولاده را به بهشت برینی تشبیه می‌کند که شاعر مدتی در سایه سار درخت‌های پر سایه سدر و حوض کوثر، که مؤمنان به هنگام ورود به بهشت از آن سیراب می‌شوند به سر برده است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱۰، ص ۵۴۹) ولی اکنون ولاده روی از او برتافته و به جای آن همه نعمت، ساکن جهنمی شده که عذابش از درخت زقوم است. زقوم گیاهی است تلخ و بد بو و بد طعم، شیرهای دارد که وقتی به بدن انسان می‌رسد ورم می‌کند و گاه به هر نوع غذای تنفرآمیز دوزخیان گفته می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ج ۲۳، ۲۴۶) و شرابش به آن خونابه‌ای که از پوست و گوشت جهنمیان ترشح می‌شود مبدل شده است. خداوند متعال در جای جای قرآن از نعمت‌های بهشتیان و عذاب‌های جهنمیان سخن گفته است و حال و روز آن‌ها را به تصویر کشیده و بارها با یکدیگر مقایسه کرده است، چنان که برمی‌آید شاعر تصویری از حال و روز خویش را ترسیم می‌کند که از چندین‌آیه‌ی قرآن مستفاد است و چه زیبا و ماهرانه آنها را با هم

ترکیب کرده است تا مقصود خویش را به زیبایی القا کند. ابن زیدون تصاویری که در آیات «فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ» (واقعہ: ۲۸) و «لَا كَلُونََ مِنْ شَجَرٍ مِنْ زَقُّومٍ» (واقعہ: ۵۲) و «وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينَ» (حاقه: ۳۶) و «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» (کوثر: ۱) ارائه شده است را در هم تنیده است، تا پرده‌ای از تراژدی عشق خودش را برای مخاطب به نمایش بگذارد.

۱-۶ اثرپذیری شیوه‌ای یا سبکی (اسلوبی)

ابن زیدون در پاره‌ای از اشعار خویش از سبک‌های بیانی قرآن بهره برده است و آن‌ها را با اندک تغییری بازآفرینی کرده است تا به این وسیله منظور خویش را آشکارتر به مخاطب برساند، همان‌گونه که قرآن مجید با اعجازهای بیانی‌اش، اوج تأثیر را بر روح و روان آدمی برجای می‌گذارد. از جمله سبکی که ابن زیدون در پاره‌ای از اشعار خویش از آن‌ها استفاده کرده است، سبک استفهامی است. مانند:

«هَلْ مِنْ سَبِيلٍ، فَمَاءُ الْعُتْبِ لِي أَسْنُ إِلَى الْعُدُوبَةِ مِنْ عُتْبَاكَ وَالْخَصْرِ؟»
(ابن زیدون، ۲۰۰۴: ۱۱۰)

(اکنون که آب سرزنش و ملامت گل‌آلود است، آیا راهی برای دست‌یابی به چشمه‌ی خنک و گوارای رضایت تو وجود دارد؟! کنایه از اینکه اکنون که با نارضایتی و سرزنش تو مواجه هستم آیا راهی هست که تو از من راضی شوی)

بسیاری از آیات قرآنی با استفهام همراه هستند تا در مخاطب نوعی کشش و انگیزه ایجاد شود. برای مثال خداوند در آیه‌ی «قَالُوا رَبَّنَا أُمَتَّنَا أُتْنَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَىٰ خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ» (غافر: ۱۱) از همین شیوه برای بیان حالت کسانی که در جهنم هستند و به دنبال راه خروج از آن می‌گردند، به بهترین وجه و با عباراتی کوتاه و شیوا استفاده کرده است. فایده‌ی این پرسش تشویق شنونده است به چیزی که ذکر خواهد شد. (هاشمی، ۱۳۹۰: ۱۷۵).

نتیجه

بررسی دیوان ابن زیدون این واقعیت را آشکار می‌کند که شاعر یکی از راه‌های به تصویر کشیدن مضامین و افکار شاعرانه‌ی خویش را استمداد از آیات قرآنی می‌بیند. لذا گاه از آیات و عبارات قرآنی به‌طور صریح استفاده می‌کند و در برخی از موارد تنها کلام خود را با قسمتی از عبارات و تراکیب قرآنی آذین می‌بندد، گاه نیز کلمه‌ای از قرآن را به‌عنوان

رمز برای القای مفاهیم مد نظرش به کار می‌گیرد. ابن زیدون احیانا تصاویر قرآنی را به عاریه می‌گیرد، تا صحنه‌ای هرچند کوتاه از دوران حبسش را به نمایش بگذارد. مهمترین هدف او در اقتباس از قرآن کریم در ابتدا به تصویر کشیدن اموری چون؛ عشق به ولاده، زندگی، طبیعت و سخاوت ولی نعمتان است. این تأثیر در همه‌ی اشعار قبل از زندان او و حتی اشعاری که مربوط به امور روزمره است فراوان دیده می‌شود. اما در دورانی که به علت حسادت حاسدان گرفتار زندان می‌شود و ابن جهور با او دل بد می‌کند، مفاهیم و الفاظ قرآنی را بیشتر برای توصیفات و تصاویر شاعرانه‌اش از اموری چون؛ مرگ، بی‌وفایی، آزادی از زندان و اثبات بی‌گناهی‌اش به کار می‌گیرد.

به طور کلی ابن زیدون در اغلب اشعار خود از قرآن کریم در ابعاد گوناگون آن (واژگانی، گزاره‌ای، گزارشی (مضمونی)، تلمیحی، تصویری و سبکی (شیوه‌ای)) بهره‌مند گشته است. وی همچنین با بهره‌گیری از ظرفیت‌های ویژه و خاص این کتاب مقدس آسمانی، ساخت‌های تأثیرگذار، ارزشمند و ممتازی خلق کرده که در عین برجستگی الفاظ و مضامین قرآنی در اشعارش سهولت و سادگی را در میان آن‌ها تنیده است.

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- ابن بشکوال، (۱۹۶۶)، *الصلة في تاريخ ائمه الأندلس لابن بشکوال*، جلد اول، بی‌مکان.
- ابن زیدون، (۲۰۰۴م)، *دیوان*، شرح و ترجمه یوسف فرحات، بیروت: دار الکتب العربیة.
- ابن زیدون، (۱۹۹۰م)، *دیوان ب*، شرح و ترجمه حنا الفاخوری، چاپ اول، بیروت: دار الجیل.
- (بی تا)، *دیوان ابن زیدون و رسائله*، شرح و تحقیق علی عبد العظیم، بی‌مکان: نهضة مصر.
- (۲۰۰۴)، *دیوان*، شرح و تحقیق یوسف فرحات، بیروت: دار الکتب العربی.
- آلن، گراهام، (۱۳۸۰)، *بینامتنیت*، ترجمه پیام یزدانجو، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- ضیف، شوقی، (۱۴۳۴ق)، *تاریخ الأدب العربی*، جلد ۴، چاپ چهارم، قم: ذوی القربی.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- عتیق، عبدالعزیز، (بی تا)، *الأدب العربی فی اندلس*، بیروت: النهضة العربیة.
- الفاخوری، حنا، (۱۳۹۰)، *تاریخ الأدب العربی*، چاپ ششم، تهران: توس.
- عبدالعظیم، علی، (۱۹۵۵)، *تحلیل الخطاب الشعری (استراتیجیة التناص)*، مغرب: المركز الثقافی العربی: دار البیضاء.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۷)، *تفسیر نمونه*، چاپ سی و ششم، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- نامور مطلق، بهمن، (۱۳۹۰)، *درآمدی بر بینامتنیت: نظریه‌ها و کاربردها*، تهران: سخن.